

دوره‌ای طلایی برای روزنامه‌نگاری ایران

سعید ارکان‌زاده یزدی
روزنامه‌نگار

شاید در این ایام افسردگی و فرسودگی که شیرازه بسیاری از امور در حال ازهم‌پاشیدن است، سخن گفتن از دوره طلایی حرف بی‌ربط و نابجایی به‌نظر برسد، اما با نگاهی به تاریخ ارتباطات و روزنامه‌نگاری در ایران معاصر می‌توان بارقه‌هایی از امید را هم در پس نابه‌سامانی‌ها دید. تاریخ ارتباطات در این سرزمین، نشان داده است که هرگاه نظام‌های سیاسی قوه کافی برای مراقبت و تنبیه رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران نداشته‌اند و تیغ تضعیف روزنامه‌نگاری و سانسور آن‌ها کند شده، شکافی در قدرت به‌وجود آمده است تا جوانه‌های روزنامه‌نگاری حرفه‌ای بتوانند از میان آن سر برآورند. چند نمونه مشهور از این دست را می‌توان در تاریخ دید: دوره کمتر از ۱۰ سال پس از شهریورماه ۱۳۲۰، دو سال پیش از کودتای ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲، چندماه ابتدایی پس از انقلاب ۱۳۵۷ و دوره نزدیک به سه‌سال پس از دوم خردادماه ۱۳۷۶. وجه اشتراک همه این دوره‌ها این بوده است که نظام سیاسی به‌دلایل مختلف با بحران‌هایی مواجه بوده که نمی‌توانسته درعمل رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران را زیر سیطره و کنترل شدید و بی‌منطق خود بیاورد و با فشار آن‌ها را وادار کند آنچه می‌خواهد، منتشر کند.

در بین این شکاف‌های بزرگ تاریخی که برای ارتباطات ایران فرصت‌های طلایی بودند و مشخصاً دو مورد آن‌ها – پس از انقلاب ۵۷ و دوم خردادماه – به «بهار مطبوعات» شهرت یافته‌اند، شکاف‌های کوچکی هم بوده است که کمتر به‌چشم آمده‌اند. محض نمونه در یکی، دو ماه پیش از انتخابات ۱۳۸۸ یک‌چندماه بعد، همچنین در پاییز ۱۴۰۱ نیز بخش‌هایی از نظام رسانه‌ای توانستند با بهره‌گیری از تضعیف کنترل‌گری نظام سیاسی که ناشی از بحران‌های روز بود، فعالیت‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاران در خشنایی از خود نشان دهند. در حال حاضر نیز به‌نظر می‌رسد فرصت دیگری به‌وجود آمده است تا روزنامه‌نگاری ایران بتواند از آن برای رسیدن به سطح درخوری از فعالیت حرفه‌ای بهره‌برد. برآیند خروجی رسانه‌ها حاکی از این است که از مدتی پیش، روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها استفاده از این فرصت را آغاز کرده‌اند. نمونه‌اش آثار درخشان روزنامه‌نگاران در دو حوزه اجتماعی و فناوری است که در ماه‌های اخیر به‌خوبی تلاش کرده‌اند گزارش‌های جسورانه و انتقادهایی رامطرح کنند که تا چندسال پیش پرداختن به آن‌ها نوعی تابو در رسانه‌های رسمی ایران بود. اما ازسوی دیگر، به‌نظر می‌رسد هنوز حوزه‌هایی همچون سیاست و اقتصاد در روزنامه‌نگاری مامحافظه‌کاری را کنارنگذاشته‌اندوبه‌همان سیاق گذشته کار خود را پیش می‌برند. نشانه‌اش این است که عرصه‌عمومی اخبار و گزارش‌ها در حوزه‌های اجتماعی و فناوری در اختیار رسانه‌های داخلی و جاری در قلم روزنامه‌نگاران ساکن کشور است، اما اتفاقات‌ها و طرح‌ایده‌ها در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی رقبای قدرتمندی در خارج از ایران دارند. البته پیچیدگی نظام رسانه‌ای کنونی ایران بیش از این است که مرز مشخصی همچون مرزهای فیزیکی بین داخل و خارج کشور قائل باشیم، بااین حال می‌توان این تمایز جغرافیایی را همچنان تاحدودی معتبر دانست. حال چرا باید چنین فرصتی که در روزنامه‌نگاری ایران به‌دست آمده است را دوره‌ای طلایی فرض و در وجود چنین فرصتی راه مبale بعد از پیش‌گرفت‌ها علت این است که روزنامه‌نگاری با همه ضعف‌های خودش همچنان می‌تواند نقشی در ساختن آینده کشور داشته‌باشد. هرچه روزنامه‌نگاری ما جسورتر و حرفه‌ای‌تر باشد و جامعه مدنی ایران را نمایندگی کند، نقش‌اش در ساختن آینده بیشتر و سازنده‌تر است. بخش اعظم کارشناسان در عرصه‌های مختلف می‌گویند که ایران در شرایط سخت و دشوار و غیرقابل پیش‌بینی قرار گرفته است. بنابراین روزنامه‌نگاری حرفه‌ای می‌تواند در این شرایط نقش پررنگی بازی کند، آن را شفاف‌تر سازد، راه‌حل مشکلات را بازگوید و راوی تغییر باشد. این چنین است که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای با استفاده از فرصتی که برایش به‌وجود آمده، می‌تواند نقشی شایسته جایگاه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در ایران کنونی برعهده بگیرد و عصر طلایی دیگری را رقم بزند. بااین حال باید گفت که کار روزنامه‌نگاران و رسانه‌های حرفه‌ای در این شرایط و زمانه برای جلوگیری از خطوط کنترل شده چندان هم آسان نخواهد بود. روزنامه‌نگاری همچنان ضعف‌های فنی و حرفه‌ای خود را بر دوش می‌کشد و ممکن است برای بازی کردن نقشی پررنگ‌تر آماده نباشد. همچنین شمشیر کنترل و محدودیت هنوز بر سر روزنامه‌نگاران است و چپ‌ساز دوره‌های ضعف کنترل‌گری نظام‌های سیاسی، خطر بر خورد شدیدتر هم باشد. نظام‌های سیاسی بحران‌زده شاید نتوانند همه رسانه‌ها را کنترل کنند، اما تلاش می‌کنند از رسانه‌ها و روزنامه‌نگارانی که به‌تور نظارت و تنبیه‌شان می‌افتند، درس عبرتی برای سایرین درست کنند. بنابراین در این دوره نیز روزنامه‌نگاری حرفه‌ای باید با دقت، آماجگی، هوشیاری و احتیاط؛ اما نه سرهم‌پندی، محافظه‌کاری، ترس و انفعال همراه باشد.



عکس: AP

نگرانی و ناامیدی

بررسی تاثیر بازگشت تحریم‌های سازمان ملل بر وضعیت روانی، اجتماعی و سلامت مردم

صفاری‌نا معتقد است که وقتی مشکلات غیرقابل پیش‌بینی باشند و افراد نتوانند آینده را کنترل کنند، فرسودگی، افسردگی و بیماری‌های روان‌تنی (سایکوسوماتیک) مثل مشکلات قلبی و سرطان و نیز مشکلات روانشناختی مانند اضطراب، حملات وحشت‌زدگی و خشم افزایش می‌یابد. این خشم می‌تواند به خودکشی، دیگرکشی یا اعتیاد منجر شود. بعضی افراد، اعتیاد یا الکل را به‌عنوان راهی برای فرار انتخاب می‌کنند، برخی ازدواج نمی‌کنند یا جدامی شوند و تنهایی را ترجیح می‌دهند: «ریشه بسیاری از این بحران‌ها، اقتصادی است. وقتی تحریم‌ها یا مکانیسم‌هاش اعمال می‌شود، قیمت‌ها بالا می‌رود و فشار مضاعفی ایجاد می‌کند. ازسوی دیگر، چون انسجام اجتماعی پایین است و حکمرانی مطلوبی برای تقویت تاب‌آوری وجود ندارد، فشار بیشتری می‌شود. مثلاً برگزاری یک کنسرت ساده می‌تواند به همبستگی اجتماعی کمک کند. ۱۰ هزار نفر در یک کنسرت جمع شوند، رسانه‌ها پوشش دهند و پیام همبستگی منتقل شود. یا حتی جلساتی که در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار می‌شود، می‌تواند در افزایش انسجام اجتماعی نقش داشته‌باشد اما متأسفانه این روزنه‌ها هم محدود می‌شوند. به گفته او، پژوهش‌ها نشان داده که پس از جنگ یا تحریم، تبعات روانی، هم در کوتاه‌مدت (مانند PTSD)، هم در بلندمدت خود را نشان می‌دهد. کسانی که در معرض آسیب‌ها و فشارهای اقتصادی یا از دست‌دادن عزیزان قرار دارند، هرکدام مشکلات خاص خود را بروز می‌دهند. معلوم نیست که آیا حمایت‌های روانی و اجتماعی کافی به آن‌ها ارائه می‌شود یا خیر.

▼ نگرانی برای بیماران

نتایج یک مقاله تحقیقی که به‌تازگی در نشریه the lancet global health منتشرشده نشان می‌دهد که سالیانه در جهان بیش از نیم‌میلیون نفر اثر از تحریم‌ها جان خود را از دست می‌دهند و بیش از ۵۰ درصد در پایان مرگ‌های ناشی از تحریم‌ها، کودکان زیر پنج‌سال هستند؛ عددی که بیماران ایرانی هم از آن سهمی دارند و حداقل از سال ۹۷ و بازگشت دوباره تحریم‌های آمریکا افزایش یافته است. این آمار نشان می‌دهد که تحریم‌ها منجر به کاهش سطح سلامت مردم و مرگ‌ومیر آنها شده و علیه ملت‌ها اعمال می‌شود، نه دولت‌ها. مدتی پیش هادی احمدی، عضو هیئت‌مدیره انجمن داروسازان در گفت‌وگو با «هم‌میهن» گفته بود که توان تولید ۹۷ درصدی دارو در کشور، با تجهیزاتاتی که نه‌انجام می‌شود و در صورت بازگشت تحریم‌ها و اعمال مکانیسم‌هاش، شرایط تأمین و کیفیت داروها را بدتر می‌کند؛ اتفاقی که تنها یک هفته با آن فاصله داریم و حالا بیماران خاص روزهای روشنی را پیش‌روی خود نمی‌بینند. نمونه آن بیماران تالاسمی‌اند که بعد از سال ۱۳۹۷ با تحریم دارو روبه‌رو شدند و میزان مرگ‌ومیر ناشی از بحران داروی آنها به‌شدت افزایش یافته است. یونس عرب، مدیرعامل انجمن تالاسمی به «هم‌میهن» می‌گوید، بعد از بازگشت تحریم‌ها در سال ۱۳۹۷، بسیاری از داروهای بیماران و مواد اولیه خاص مورد نیاز برای تولید این داروها در کشور، توسط کشورهای اروپایی به ایران وارد نشد: «شورای حقوق بشر، کمیسر و گزارشگر سازمان ملل، به یک شرکت فرانسوی که تأمین‌کننده این داروها بود نامه زده بود اما این شرکت اعلام کرد که ما به‌دلیل تحریم‌های آمریکا دیگر مساده اولیه داروهای تالاسمی را به ایران نمی‌دهیم. حتی روی کشتی‌هایی که قرار بود تحریم را دور بزنند، مسیر یاب نصب کردند و اجازه ندادند به ایران برسند. شرکت سوئیسی «نواآرتیس» هم فروش محصولات خود را به ایران محدود کرد. علاوه بر این، به تعهد رسمی خود به سازمان غذا و دارو درباره انتقال تکنولوژی و مواد اولیه فرموله‌شده به ایران عمل نکرد. قرار بود این داروها در خط تولیدی شرکتی ایرانی که خودشان مجوزهایش را صادر کرده بودند، تهیه شود اما این تعهد را اجرا نکردند؛ در حالی که

که چیزی برایمان ترسناک نیست و دیگر نمی‌ترسیم. آنقدر بلا سر ما آمده که دیگر نمی‌ترسیم.» او می‌گوید ما دیگر می‌فهمیم در چه شرایطی گیر کردیم و قرار است چه اتفاقی برایمان بیفتد: «برای من اینجوری است. افق اقتصادی زندگی‌ام، سیاه است و اگر برنامه‌هایی در این زمینه داشتم، می‌دانم که دیگر نمی‌توانم انجام دهم.»

▼ افزایش مرگ‌های ناشی از ناامیدی

انتظار بازگشتن تحریم‌های سازمان ملل، حالا جامعه ایران را درگیر نگرانی، اضطراب اجتماعی و ناامیدی کرده است. روانشناسان مثل مجید صفاری‌نیا، معتقدند که زندگی در تعلیق و ابهام، فشار مضاعفی ایجاد کرده و وقتی مردم منتظر تحریم یا جنگ احتمالی باشند، در ماندگی روانی بیشتر می‌شود. او به «هم‌میهن» می‌گوید: «این در ماندگی اغلب به افسردگی و مرگ‌های ناشی از ناامیدی منجر می‌شود. پدیده‌ای که امروز در ایران مشاهده می‌کنیم. مرگ‌های ناگهانی در سنین ۴۵ یا ۵۰ سالگی که علت اصلی آن ناامیدی و ناتوانی در کنترل رویدادهاست. وزارت بهداشت آماری رسمی از این پدیده ارائه نمی‌دهد، اما به‌وضوح با آن مواجه‌ایم.» به گفته او، در پنج، شش سال اخیر به‌ویژه از سال ۹۷ به‌بعد با تشدید تحریم‌ها، فشار اقتصادی بیشتر شد و زندگی مردم بیش از پیش غیر قابل پیش‌بینی شد. وقتی افراد نتوانند درآمد یا هزینه‌های آینده خود را پیش‌بینی کنند، سلامت اجتماعی کاهش می‌یابد: «این وضعیت روی رفتار اجتماعی هم اثر می‌گذارد. مثلاً یک کموتوری‌ها یا کارگرانی که بدون رعایت ایمنی کار می‌کنند، نه به‌دلیل مهارت پایین، بلکه چون زندگی برایشان ارزش خود را از دست داده، چندان اهیتی به بقا نمی‌دهند. شاخص ناامیدی در بعضی کشورها و نشست‌ها مطرح شده اما هنوز مطالعات جامع اندکی در این زمینه داریم. آنچه در مشاهدات می‌بینیم، افزایش اختلالاتی چون اضطراب، افسردگی و بیماری‌های روان‌تنی است.»

به اعتقاد این روانشناس اجتماعی، البته رویکردهای اگزیستانسیالیستی می‌توانند به‌معنادار کردن رنج و افزایش تاب‌آوری کمک کنند. اما این فقط برعهده افراد نیست؛ حاکمیت هم باید با کمک روانشناسان، جامعه‌شناسان و متخصصان فرهنگی تاب‌آوری و استحکام روانی جامعه را تقویت کند: «امروز با کاهش تاب‌آوری اجتماعی روبه‌رو هستیم. خودکشی، خشونت‌های خیابانی، نزاع‌ها، بی‌تفاوتی، کاهش انگیزه کاری، حوادث رانندگی و اختلال در محیط‌های کاری همه نشانه‌های این کاهش‌اند. جامعه‌ای که تاب‌آوری پایین داشته‌باشد، مستعد فرسایش روانی و اجتماعی بیشتر است.» او می‌گوید سال‌هاست که مردم استرس‌هایی تجربه می‌کنند و ممکن است عده‌ای توانایی سازگاری با آن را داشته باشند و عده‌ای دیگر خیر: «بنابراین وقتی استرس اتفاق می‌افتد، نیاز به سازگاری مجدد وجود دارد. الان حجم رویدادهای اجتماعی و استرس‌های اجتماعی مان آنقدر زیاد است که به‌نظر می‌رسد عده‌ای ممکن است ظرفیت کافی برای سازگاری نداشته باشند. وقتی افراد در سازگاری دچار مشکل می‌شوند و این استرس‌ها به‌طور مکرر اتفاق می‌افتد، سازگاری آن‌ها مختل می‌شود و فرسودگی به‌وجود می‌آید. این فرسودگی در ابعاد مختلف روانی، اجتماعی و زیستی تأثیر می‌گذارد؛ طول عمر را پایین می‌آورد، سسکته‌ها را زیاد می‌کند و بیماری‌های روانی افزایش می‌یابد. طبق آمار رسمی، یک‌چهارم مردم جامعه ما اختلال روانی می‌گیرند. در نتیجه اختلالات روانی، خودکشی، نزاع‌های خیابانی و خانوادگی و اختلالات زناشویی افزایش می‌یابد. آمار طلاق نشان می‌دهد که حدود ۴۰ درصد ازدواج‌ها در برخی شهرهای صنعتی به جدایی می‌انجامد. این پیامدها ناشی از همان تغییرات اجتماعی است و افراد نیاز دارند که سازگاری و طرارت روانی‌شان حفظ شود.»



سمیه توحیدلو
جامعه‌شناس
اقتصادی:

مردم نمی‌توانند تصمیم بگیرند که مذاکره‌ای صورت گیرد یا بگیرند، درباره انرژی هسته‌ای چه اتفاقی بیفتد، با جنگ بشود یا نشود. مردم عملاً در منفعل‌ترین شکل ممکن قرار دارند و همه این عوامل به تشدید حال گریایی می‌انجامد

الهه محمدی، سارا سبزی
گروه جامعه

یک‌بار دیگر مردم ایران در انتظار آمدن یک «شنیه» نشستند؛ شنیه، پنجم مهرماه ۱۴۰۴، روزی که قرار است اسب‌پیک فعال شود و تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران برگردند. دوشب پیش، قطعه‌نامه «تداوم لغو تحریم‌ها علیه ایران» پیش از پایان مهلت ۳۰ روزه روند مکانیسم پس‌گشت (ماشه) در نشست شورای امنیت سازمان ملل رأی نیلوار و بازگشت تحریم‌ها قطعی شد؛ موضوعی که در چندماه گذشته، در سخنان مسئولان ایرانی و خارجی، پررنگ بوده و البته مردمی که قرار است در ایران با شرایط تحریمی بیشتر، زندگی کنند. حالا با قطعی شدن بازگشت تحریم‌های گسترده و با تجربه جنگ ۱۲ روزه، یک‌بار دیگر بازار ارز و طلا، روند افزایشی گرفته، درست مثل نگرانی و اضطراب اجتماعی مردم. نگرانی از وضعیت روانی، اقتصادی، سلامت و اجتماعی، حالا پررنگ‌تر از قبل شده است. حالا کاربران شبکه‌های اجتماعی و شهروندان ایرانی می‌گویند که نمی‌دانند با شرایط سخت‌تر زندگی باید چه کنند؛ نمونه‌اش «خاطره» که با شنیدن خبر فعال شدن مکانیسم ماشه، اولین جمله‌ای که می‌گوید این است: «بدبخت شدیم.» او در یک شرکت واردات قطعات کامپیوتر کار می‌کند و به «هم‌میهن» می‌گوید: «این هم بخشی از زندگی مادر ایران است. دیگر نمی‌توانیم قطعات را وارد کنیم. مگر اینکه آنها را وارد کشور دیگری مانند عراق کنیم و بعد از آنجا وارد ایران کنیم. خرید برای به‌عنوان مثال به اربیل عراق باید برود و از آنجا وارد ایران شود که هم هزینه زیادی دارد، هم سختی بسیار. اما به نفع کاسبان تحریم شد. آنهایی که همین کار را می‌کنند الان خوشحالند.»

«مانی» هم بعد از شنیدن خبر، بیشتر از قبل احساس سردردگی می‌کند. او به «هم‌میهن» می‌گوید: «می‌خواستم لپ‌تاپ بخرم که دیگر نمی‌توانم. هارد هم می‌خواستم بخرم که دیگر نمی‌توانم. قیمت‌ها جوری بالا می‌رود که دیگر نمی‌توان هیچ کاری کرد.» بااین حال او معتقد است، موضوعی که در پی این تحریم‌ها اتفاق می‌افتد برای مردم عادی چیزی عجیب‌تر از آنچه تجربه می‌کنند، نیست: «برای ما فرقی ندارد. ما این سال‌ها فشاری را تحمل کردیم که بیشتر یا کمتر شده است. به همین دلیل برای ما چندان فرقی ندارد اما برای برخی دیگر خیلی فرق می‌کند.» او در ادامه با اشاره به کاسبان تحریم می‌گوید: «برخی می‌توانند رانت و امتیاز بگیرند. اما برای کسانی که کسب‌وکارشان با خارج کشور است و با ارز کار می‌کنند، اتفاق بسیار بدی است. اما برای عوام جامعه آنقدر تغییر محسوسی نیست. اتفاق‌های بدتر افتاده و جهشی که شاهد آن هستیم چندان محسوس نیست.»

مانی فکر می‌کند در ادامه قیمت‌ها دو یا سه برابر نمی‌شود اما از اینی که هست، گران‌تر می‌شود: «هر چقدر فضا تنگ‌تر می‌شود، مارها تر می‌شویم و بیشتر شل می‌کنیم و امیدوارم این به نقطه تعادل برسد.» «امیر» هم وقتی خبر را شنیده، ترسی احساس نکرده: «احساس ترس ندارم. ما جنگ را تجربه کردیم و برای من ترسناک‌ترین روزها، روزهای جنگ بود و ترسناک‌تر از آن نیست.» او می‌گوید ممکن است دوباره همان اتفاق‌ها بیفتد: «اما برایم دیگر وحشتناک نیست. ترس از گرانی دارم و می‌دانم زندگی برای همه ما قرار است سخت‌تر و از این گران‌تر شود.» او احساس می‌کند بزرگترین فشار، گرانی است، نه سایه جنگ: «آدم به‌همه چیز عادت می‌کند و چون به همه چیز عادت می‌کنیم من روز دوازدهم جنگ دیگر عادت کرده بودم. روزهای اول خیلی استرسی بودم و نمی‌دانستم باید چه کار کنم.» او امیدوار است اتفاق‌های خوبی بیفتند: «ترس به آن معنا ندارم و احساس می‌کنم آدم‌هایی شدید